

[نقش جنگ‌های داخلی، در اضمحلال منابع انسانی در افغانستان]

نگارنده: احمد فرید فانوس^۱

چکیده

منابع انسانی، با حاکمیت و انطباق‌پذیری، نقش اساسی و برآزنده‌یی در شکوفایی و توسعه کشورها بازی می‌کند. بدون شک این همه توسعه و شکوفایی از نشانی امنیت جغرافیایی یک کشور امکان‌پذیر است. امنیت سرتاسری یک کشور فضایی را ایجاد می‌کند که در آن منابع انسانی تفسیر گردیده و جای‌گاه ارزشی و کیفیتی را حفظ نماید و از طریق توسعه مستمر، نیازها و خواسته‌های خود را ارضا کند. از آنجایی که جنگ‌های داخلی چند دهه اخیر در افغانستان، تأثیرات عمیقی را بالای رشد و توسعه، علی‌الخصوص بر پیکر منابع انسانی وارد نموده است، پرسش این جاست که: آیا جنگ‌های داخلی نقشی در اضمحلال منابع انسانی در افغانستان داشته است؟

یافته‌های نگارنده در این تحقیق کتاب‌خانه‌یی، که با شیوه تحلیلی - توصیفی انجام پذیرفته، نشان می‌دهند که: منابع انسانی در افغانستان تحت تأثیر جنگ‌های داخلی قرار گرفته، که مواردی از قبیل عدم دسترسی به تحصیلات عالی، مهاجرت بی‌رویه جوانان از این مرزوبوم، ناامنی و بی‌ثباتی اقتصادی، فرار سرمایه و سرمایه‌گذاران از کشور، عدم هم‌افزایی اجتماعی و مدیریتی، فقر و بیکاری مزمن، عدم توسعه پایدار مدیریتی، حاکمیت و تعصب جنسی در اداره‌های دولتی، ازجمله عوامل ویران‌گر بر نیروی انسانی دانسته می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: منابع انسانی، افغانستان، جنگ‌های داخلی، مهاجرت

جوانان، فرار سرمایه، بیکاری و اعتیاد.

^۱ کادر علمی پوهنتون غالب هرات

مقدمه

صدمات ناشی از جنگ‌های داخلی در افغانستان از قانون‌شکنی، فساد اداری، فرار جوانان، تخریب زیربناهای، شکست توسعه پایدار، بیکاری، فقر و تنگ‌دستی، روی آوردن افراد به اعتیاد و مواد مخدر و حتا خودکشی جوانان به دلیل تحمل نکردن وضعیت نابه‌سامان جریان جنگ برای جهانیان روشن است. مطالعه تاریخ جنگ‌های داخلی و اندیشه‌های جنگ در افغانستان نمایانگر این است، که جنگ‌های داخلی از زمان پیدایی شان عامل بحران‌ها و آسیب‌های انسانی، اجتماعی، سیاسی، اداری، اقتصادی و جغرافیایی بوده است؛ چنان‌که فرار سرمایه‌گذاران، نقش ضعیف زنان در بخش‌های متفاوت، مهاجرت جوانان تحصیل کرده، بزرگ‌ترین آسیبی است که جنگ‌های داخلی در افغانستان ایجاد نموده است. در جامعه‌یی که ما امروز زنده‌گی می‌کنیم، جنگ و ناامنی به شدیدترین وجه ممکن اتفاق افتاده و متأسفانه روح، جسم و روان انسان‌ها را صدمه می‌رساند. سرمایه‌گذارانی که از اثر جنگ و نابه‌سامانی‌های داخلی به کشورهای امن پناه برده‌اند، صدمات جبران‌ناپذیری را بر منابع انسانی رقم زده و جز سرمایه انسانی کشورهای امن شده‌اند. توسعه منابع انسانی برای هر کشوری حیاتی است؛ چنان‌که کشورهای مختلف، از جمله قطر و عربستان سعودی به کمک درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز و امنیت سرتاسری به کشورهای ثروت‌مند و دارای سطح بالای زنده‌گی مبدل شده‌اند و به کمک رشد و توسعه اقتصادی در فضای امن و آرامش در زمینه توسعه منابع انسانی پیشرفت‌های شایانی نموده‌اند؛ اما در افغانستانی که سال‌ها از جنگ و خون‌ریزی در امان نیست، فضای منابع انسانی تخریب شده و امید کم‌تری در رشد و توسعه منابع انسانی وجود دارد.

جنگ‌های چند دهه اخیر در کشور، تأثیرات عمیقی را بر پیکر جامعه، سیاست، اقتصاد، روان، علی‌الخصوص بر دارایی منابع انسانی وارد نموده و باعث مهاجرت جوانان، بی‌جاشده‌گی، فرار سرمایه و سرمایه‌گذاران، اعتیاد، بیکاری و آسیب‌پذیری زنان شده است و سیاست‌های ناپایدار به ارث رسیده، از جنگ منحیث چالش‌های اساسی پیش روی منابع انسانی قد علم نموده‌اند.

به‌رغم اهمیت موضوع از نظر علمی، کار کم‌تری صورت گرفته؛ بناءً لازم دانسته می‌شود تا به ارزش علمی آن افزوده و موضوع را به‌شیوه ظریف و بروز مورد مطالعه قرار دهیم و از نقطه‌نظر کاربردی و اجرایی، از ارزش‌هایی چون کمک به سازمان‌ها جهت پی‌بردن به چالش‌های منابع انسانی پس از جنگ، توجه بیش‌تر به احیای شهرت از دست‌رفته منابع انسانی، توجه به اشتغال‌زایی بیش‌تر، افزایش کیفیت کار و بهره‌وری و استفاده درست و منطقی از منابع انسانی جهت به تعالی رساندن سازمان، سنجیده و راه‌کاری نیز دربرداشته باشد؛ به‌هرروی، در مطابقت به موضوع اضمحلال منابع انسانی پس از جنگ‌های داخلی در افغانستان، پژوهش کم‌تری صورت گرفته با

آن‌هم تعدادی از نویسندگان و نهادهای خارجی دست به نگارش برخی از مقالات زده‌اند، که به‌گونه توصیفی و موجز بدان‌ها اشاره می‌شود:

«Impact of Soviet and US War on Afghan Society with Special

Reference to Rural Life» عنوان مقاله‌یی است از دکتر امتیازگل خان، که در نوامبر ۲۰۱۲

در شماره ۴ مجله CQ به چاپ رسیده است. نویسنده بدین یافته‌ها دست یافته است:

>جنگ‌های افغانستان تلفات عظیم انسانی و مهاجرت را در طی این سال‌ها از پیش در بر داشته است و سیاست فروپاشی و اتحاد جماهیر شوروی بر مبنای نابودی جسمی با یک ایدیولوژی توتالیستی برای جذب میراث اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی افغانستان رقم خورده بود؛ طوری که این سیاست با بمباران روستاها آغاز و در این روند ده‌ها هزار نفر کشته، زخمی و بی‌خانمان گردیده است؛ و در نتیجه، جنگ‌های افغانستان بزرگ‌ترین مشکل پناهنده‌گی جهان را به‌وجود آورد. این جنگ‌ها منتج به تخریب زیربناها، چهارچوب اقتصادی و منابع انسانی گردید (2012:مجله CQ شماره چهارم).

کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر در گزارش سال ۲۰۱۸ خود به ارتباط موضوع آورده است: >جنگ در افغانستان سبب تداوم کشتار بسیاری از افراد ملکی شده و سبب مصائب دوام‌دار فیزیکی و روحی برای افراد بی‌شمار دیگری گردیده است. این واقعیت که آمار اطفال کشته‌شده در این سال بی‌سابقه است، مسأله‌یی تکان‌دهنده است. افزون‌براین، از دست‌دادن زنده‌گی، اوضاع نابه‌سامان امنیتی اکثریت افغان‌ها را از استفاده از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان محروم کرده است؛ هزاران طفل به سبب حملات بالای مکاتب و تسهیلات طبی برای تمام عمر معلول گردیده‌اند (میشل بشلیت، کمیشنر عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر، ژنو، فبروری ۲۰۱۹).

باتوجه به موارد یادشده، تحقیق حاضر، بر تأثیر جنگ‌های داخلی در اضمحلال منابع انسانی متمرکز بوده و پرسش تحقیق چنین مطرح می‌شود که: جنگ‌های داخلی افغانستان چه‌گونه در اضمحلال منابع انسانی نقش دارند؟

نتایج اولیه مطالعات کتابخانه‌یی چنین بیان می‌دارد که: جنگ‌های چند دهه در کشور، باعث اضمحلال منابع انسانی شده‌اند.

اهمیت منابع انسانی در رشد و توسعه کشورها

امروزه تولید ملی، یکی از حیاتی‌ترین شاخص‌های مؤثر در رشد و توسعه کشورها به‌شمار می‌رود - البته اگر تولید ملی، آمیخته‌یی از منابع انسانی کارآزموده و منابع مالی کافی باشد - اعتبار کشورها وابسته به منابع انسانی آن‌ها بوده و کلید دروازه‌های موفقیت امروزی در دستان نیروی انسانی آن‌ها

می باشد. صفات انسانی هم‌چو خلاقیت، توانایی، دانش، مهارت و سرمایه فکری را در نظام سازمان‌های یک کشور از ارزش بالایی برخوردار اند. امروزه عوامل اساسی در نظام تولید وابسته به دارایی انسانی و مادی است و اگر این دو عامل وجود نداشته باشد، یا ضعیف عمل کنند، بدیهی است که توسعه پایدار اقتصاد کشورها امکان‌پذیر نیست. در کشورهای توسعه‌یافته و رو به رشد، نیروی انسانی به عنوان سرمایه حیاتی مطرح می‌شود.

عمده‌ترین منبع استراتژیک هر سازمان و یا هر جامعه، منابع انسانی آن است. جوامعی در بلندمدت، قرین موفقیت خواهند شد که بتوانند منابع انسانی خود را به طور صحیح و اصولی توسعه و پرورش داده و هم‌راه با تقویت دانش و معرفت و مهارت‌های فنی لازم، افرادی پُرکار و معتقد و مؤمن بسازند (میرسپاسی؛ ۱۳۷۸: ۴۷). کشورهای توسعه‌یافته از انسان‌ها منجبت هدف رشد و توسعه استفاده می‌کنند و به این باور اند که چون مردم ثروت کشورهای شان هستند، تأمین احتیاجات و ضروریات شان هم‌راه با امنیت جغرافیایی شان جزء وظیفه اصلی حاکمان کشورهاست.

توسعه پایدار، انسان‌محور است و باتوجه به گسترده‌گی مباحث و قابلیت‌های بسیار آن به سرعت به مهم‌ترین مناظره کنونی و نیز یکی از مهم‌ترین چالش‌های دهه‌های اخیر تبدیل شده است. در توسعه پایدار، انسان، محور توسعه و سزاوار بهداشت، امنیت، فرهنگ، آموزش، دانش و توسعه ارتباطات و اطلاعات است (نعمت‌اللهی؛ ۱۳۸۷: ۶۸).

فقرزدایی، مهارت‌زایی، استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی و استقلال مالی در گرو اخلاق و اصول توسعه انسانی است. کشورهای مختلفی پس از چشیدن طعم تلخ جنگ فقط به کمک منابع انسانی توانستند بازسازی شوند. جاپان بعد از این که در سال ۱۹۴۵ مورد حمله هوایی اتمی هیروشیما و ناکازاکی قرار گرفت؛ ۸ میلیون کشته و ۴۱/۵ فیصد دارایی‌های ملی خود را از دست داده و ۱۳ میلیون جاپانی بیکار شدند؛ آن چه که جاپان ۱۹۴۵ را امروز به یکی از قدرت‌های اقتصادی مبدل کرده و امید کار و توسعه را دوباره با استفاده از فرصت‌ها و مهارت‌ها برای جاپانی‌ها به ارمغان آورده، استفاده از منابع انسانی و مدیریت آن است؛ پس از این که جاپان استقلال خود را گرفت، جاپانی‌ها برای بازسازی کشور شان وارد نظام آموزشی منابع انسانی شده، نظام اشتغال در جاپان بار دیگر متحول گردیده و بهره‌وری و سودآوری با استفاده از منابع انسانی به بلندترین قله اقتصادی رسید. کشورهای دیگری مثل هالند و سوئیس که مواد معدنی کافی ندارند، رشد و توسعه شان به کمک نیروی انسانی صورت گرفته است. این کشورها به این عقیده‌اند که نیروی انسانی با در نظر داشت دانش، انگیزه، نگرش و مهارت‌های لازم جهت به تعالی رساندن سطح زندگی انسان‌ها، امر ضروری است. سرمایه انسانی چیزی است که مورد توجه تمام کشورهای پیشرفته قرار گرفته و

عقب‌افتاده‌گی کشورها، امروز وابسته به عدم نیروی انسانی نیرومند و اثربخش است؛ اما کشورهایی که دارای سرمایه انسانی کارآمد و متخصص‌اند، روند توسعه و رشد‌شان تسریع یافته است.

متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نیروی انسانی (کارکنان، سازمان‌ها و نظام‌ها، روش‌های کار، الگوی مدیریت، بهره‌وری نیروی کار و انرژی بهینه، تخصص‌گرایی، حاکمیت اقتصاد بازار، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، کارگزینی، رهبری، نوآوری، حفظ انگیزه و خلاقیت، برقراری نظام پرداخت مبتنی بر عمل‌کرد، ایجاد تحول در سیستم‌ها و روش‌های مدیریتی، بهینه‌سازی توانایی مدیران، ایجاد سیستم‌های کارآمد، ساختار فرهنگ‌باور و اعتقاد و افزایش کیفیت زندگی)، زمانی تحقق می‌یابند، که کشورها از امنیت کاملی برخوردار باشند.

تأثیر جنگ بالای نیروی انسانی

عوامل متعددی از قبیل حوادث طبیعی، فساد اداری، فقر و بی‌جاشده‌گی، بی‌ثباتی سیاسی، خشک‌سالی و عدم اشتغال‌زایی بر اضمحلال منابع انسانی در افغانستان تأثیر گذاشته است. منابع انسانی در افغانستان، کشوری که جنگ‌های طولانی‌مدت فرسایشی را از زمان کودتای ۱۳۵۷، تجاوز اتحاد جماهیر شوروی و جنگ‌های مجاهدین در مقابل دولت کمونیستی ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۱، دوره درگیری میان گروه‌های مجاهدین از سال ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۵، جنگ‌های طالبان از سال ۱۳۷۳ الی ۱۳۸۰ و جنگ‌های پس از حکومت وحدت ملی، پس از سقوط حکومت طالبان در سال ۱۳۸۰ طالبان از جنگیدن دست‌بردار نشدند و در مناطق مختلف به ادامه جنگ دست‌به‌کار شدند. سنگ‌ساختن خانه‌های مردم، انتحار و انفجار، جاسازی مین‌های کنار جاده و عملیات مسلحانه، افزایش چشم‌گیری داشت؛ علاوه بر جنگ‌های گوناگون داخلی، موارد دیگری نیز وجود دارد که باعث آوارگی مردم گردیده‌اند؛ این دوره‌های متعدد جنگ و ناامنی تأثیر مستقیم بر نیروی انسانی افغانستان از قبیل هم‌وارساختن بستر گسترده بیکاری، فقر، ارجاع نیروی انسانی به مواد به مخدر، بی‌جاساختن شمار گسترده‌یی از افغان‌ها در داخل و خارج از کشور داشته‌است. جنگ‌های داخلی کشور توده عظیمی از منابع انسانی را متأثر ساخته که این خود نقش مستقیم بالای کاهش رشد اقتصادی در کشور دارد.

در تحقیق پیامدهای اقتصادی جنگ کولیر (۱۹۹۹) پنج مقوله متأثر از جنگ را چنین تذکر می‌دهد: «تخریب منابع انسانی که مرگ‌ومیر و معیوب‌ساختن نیروی کار را در بر می‌گیرد، شکست اجتماعی که اختلالات اجتماعی از قبیل کاهش کیفیت زنده‌گی اجتماعی، صرف‌نظرکردن افراد از

ادامه دادن به تحصیل و عدم معیارهای اجتماعی را در بر می گیرد، انحراف هزینه عامه و کاهش پس انداز» (بیکر؛ ۱۹۷۵: ۲۳). سرمایه انسانی مجموعه سرمایه هایی اند که افراد را نمی توان از آن ها جدا ساخت، که این سرمایه ها دانش، مهارت ها، ارزش ها، سلامت و نیروی کار را شامل می شوند، یکی دیگر از تأثیرات جنگ بالای نیروی انسانی، کشتن نخبه گان تحصیل کرده یا افراد مجرب است. افراد قربانی عمده، دلایل وابسته گی قومی، مقام، ثروت، جنسیت، تحصیل، محکومیت سیاسی و مذهب می شوند. تحقیقات یوناما نشان می دهند که ۶۳ درصد تلفات ملکی به عناصر مختلف دولتی نسبت داده شده است، که از جمله ۳۷ درصد به طالبان، ۲۰ درصد به گروه داعش و ۶ درصد به گروه های نامعلوم ضد دولت. در سال ۲۰۱۸، یوناما ۶۹۸۰ مورد تلفات ملکی را گزارش داده است که از جمله ۲۲۴۳ کشته و ۴۷۳۷ مجروح را به گروه های مختلف ذی دخل نسبت داده است، که در مقایسه با سال ۲۰۱۷، ۳ درصد افزایش را نشان می دهد (unama.unmissions.org). وخیم شدن اوضاع جنگ در افغانستان توأم با قطع کمک های بین المللی تأثیرات منفی بر پیکر منابع انسانی گذاشته است. منابع انسانی، زمانی در افغانستان قابل ترمیم و قابل رشد خواهد بود که انسان ها در فضای عاری از جنگ و خشونت و در فضایی کاملاً مملو از صلح و آرامش به سر برند.

جنگ های داخلی و مهاجرت نیروی انسانی

مهاجرت پدیده یی است که طعم تلخ آن را کشورها از اثر جنگ های سازمان دهی شده داخلی با مفهوم اجتماعی و اقتصادی آن می چشند. در فرهنگ لغت عمید می خوانیم: «مهاجرت به معنی رفتن از یک مکان به مکان دیگر جهت منزل کردن، دوری کردن از دیار خود» (۱۳۷۴: ۲۳۴۲)؛ به عبارت دیگر مهاجرت عبارت است از ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور موقت یا دائمی (مهدوی؛ ۱۳۸۳: ۱۷۴). مهاجرت جهانی امروزه یک پدیده مغلقی است که متأثر از جنبه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی بوده و به طور فزاینده یی زنده گی روزمره انسان ها را در دنیای به هم پیوسته تحت تأثیر قرار داده است. مهاجرت اصطلاحی است که نهضت ها و وضعیت های متنوعی را که شامل افراد در تمام عرصه های زنده گی می باشد در بر می گیرد.

یکی از دلایل اساسی عقب مانده گی کشورها پایین بودن نرخ کارایی نیروی کار، مهارت های ناکافی، فقدان تحرک منابع، فقدان قوه ابتکار و ارزش های سنتی و نهادهای اجتماعی است که انگیزه تغییر اقتصادی را کاهش می دهد. در این کشورها منابع طبیعی وجود دارد؛ اما روش های تولید مناسب، مهارت های مورد نیاز، عوامل اقتصادی و نهادی جهت استفاده اثربخش از منابع برای ارتقای شرایط اقتصادی و اجتماعی محدود است (تقوی و محمدی؛ ۱۳۸۵: ۱۸). عوامل فوق الذکر زمانی مرفوع می گردد که کشورها از امنیت سرتاسری برخوردار باشند.

جنگ‌های فلاکت‌بار داخلی افغانستان از سال ۱۹۷۸ تا جنگ‌های کنونی طالبان در گوشه و کنار کشور که تلخ‌ترین جنگ‌های تاریخ معاصر افغانستان است، فجایع عظیمی را بر پیکر منابع انسانی وارد نموده و میزان مهاجران از اثر جنگ و ناامنی در افغانستان به‌سوی اروپا و قسمتی به‌سوی کشورهای همسایه رو به افزایش است. فقر، بیکاری، قانون‌شکنی، بی‌عدالتی و عدم ثبات سیاسی متأثر از جنگ‌های پی‌درپی داخلی باعث شده که صدها جوان تحصیل‌کرده و باتجربه علاقه‌مندی‌شان به دلیل عدم امنیت و آرامش نسبت به مهاجرت روزبه‌روز زیاد شده و کشور خود را ترک کنند. به اساس گزارش ناظم امور بشری در افغانستان، در سال ۲۰۱۷، ۳۶۰۰۰۰ افغان از اثر جنگ و ناامنی از خانه‌های شان آواره گردیده و ۸۱ فیصد مردم دُچار عدم مصونیت شدید غذایی‌اند، ۲۶ فیصد مردم دسترسی کافی به آب نوشیدنی ندارند و ۲۴ فیصد آن‌ها در خانه‌های مزدحم زنده‌گی می‌کنند. در ربع چهارم سال ۲۰۱۷، جنگ با شدت بالای از برخوردهای مسلحانه تا حملات هوایی ۵۶ فیصد افزایش یافته است. کودکان و زنان دوسوم تلفات ملکی جنگ را تشکیل می‌دهند.

علل مرتبط به جنگ‌های داخلی در تشدید مهاجرت

- عدم شرایط و امکانات جهت رشد و توسعه بازار کار؛
- نداشتن دسترسی به منابع فیزیکی و مالی؛
- فقر و تنگ‌دستی؛
- عدم توسعه پایدار؛
- فقدان بهبود مستمر در دستگاه آموزشی؛
- فرهنگ‌زدایی؛
- قانون‌شکنی؛
- تضعیف اعتماد اجتماعی؛
- استبداد؛
- بی‌باوری نسبت به آینده.

جنگ‌های داخلی و چالش‌های اشتغال در افغانستان

افغانستان پس از سپری‌نمودن چند دهه جنگ و بی‌امنیتی و عدم ثبات سیاسی در ردیف فقیرترین کشورهای جهان قلم‌داد شده است. از جمله ۱۸۸ کشور در رده‌بندی توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد که مختصر از واحد اندازه‌گیری توسعه در بخش صحت، آموزش و پرورش

و معیارهای زنده‌گی می‌باشد، افغانستان جای‌گاه ۱۶۹ را به خود اختیار نموده است (UNDP 2016). شکی نیست که جنگ تأثیرات عمیقی بالای اشتغال‌زایی در این کشور ایجاد نموده است. رکود اقتصادی پس از جنگ باعث شده که نگرانی‌ها و چالش‌های اشتغال‌زایی در افغانستان شدت پیدا کند. معضلاتی که امروز جامعه جنگ‌زده ما دچار آن است، فرار سرمایه و سرمایه‌گذاران از کشور، پایین بودن سطح زنده‌گی، ضعف مدیریت کمک‌های بین‌المللی برای آبادانی کشور، فساد گسترده اداری، تهدیدات امنیتی، متعهدنبودن حکومت در برابر ایجاد فرصت‌های کاری می‌باشد. ناامنی و بیکاری دو مشکل عمده افغانستان است که جوانان زیادی را مجبور به ترک وطن نموده و یا باعث کشاندن جوانان به مواد مخدر شده است. به اساس سروی بانک جهانی، تعداد کمی از افغان‌ها دسترسی به استخدام سازنده و مفید دارند. یک‌چهارم حصه نیروی کار امروز در بیکاری به سر می‌برند و ۸۰ فیصد استخدام در وضعیت آسیب‌پذیر و ناامن صورت می‌گیرد. گروه عظیمی از جوانان امروز بادانش کم و فرصت‌های شغلی ناچیز وارد بازار کار می‌شوند. در این برهه زمانی اشتغال‌زایی توانایی هم‌گام‌بودن با رشد جمعیت را نداشته و زمینه کسب وظایف خوب مساعد نگریده است. پایین بودن نرخ مشارکت نیروی کار زنان جوان افغان به دلیل عدم تحرک و بیکاری یکی دیگر از چالش‌های اجتماعی بوده و ۳۱ درصد جوانان بین سن ۱۵ تا ۲۴ در بیکاری به سر می‌برند. (توانمندسازی زنان در افغانستان ۲۰۰۲-۲۰۱۲) پیشرفت در امر آموزش با توجه به وضعیت بد امنیتی تهدید بزرگی در راستای اشتغال و اشتغال‌زایی محسوب می‌شود؛ چنان‌که این روزها افغانستان با چالش‌های بزرگ سیاسی دست‌وپنجه نرم می‌کند و با توجه به این‌که این روزها صحبت از تأمین صلح و امنیت و برگزاری انتخابات ۱۳۹۸ است، امید می‌رود این‌که این دو دست‌آورد ملی رشد فرصت‌های اقتصادی را جهت تأمین وضعیت اجتماعی و شغلی افغان‌ها فراهم کند، تا این‌که افغانستان عاری از خشونت و ناامنی در فضای آرامش داشته باشیم.

جنگ‌های داخلی و فرار سرمایه از افغانستان

جهان امروز در آستانه انقلاب صنعتی چهارم قرار دارد که در آن فناوری و تولید به سرعت در حال رشد و توسعه است. این انقلاب عظیم صنعتی فرصت‌ها و مزایای غیرقابل‌تصور را برای رشد و توسعه مهیا می‌سازد و الگوهای سرمایه‌گذاری، تغییرات گسترده‌یی را از نظر محتوا و جریان به وجود آورده است.

افغانستان با وجود کمک‌های هنگفت کشورهای جهان برای رشد و توسعه اقتصادی، زیربناها، تعلیم و تحصیل، کشوری است غنی از منابع و معادن زیرزمینی که نیاز به سرمایه و سرمایه‌گذاری جهت استخراج آن منابع دارد؛ اما متأسفانه بعد از این‌که جنگ‌های پی‌درپی در خاک این کشور پس

از سال ۱۳۹۵ ریشه دواند و فساد اداری و حیف و میل کردن کمک‌های خارجی، شکننده‌گی ثبات سیاسی و عدم حاکمیت قانون و ناامنی دل‌گرمی سرمایه‌گذاران را زدوده و باعث فرار آن‌ها شده‌است، دیگر کمتر کسانی را می‌بینیم که علاقه به سرمایه‌گذاری در این خاک داشته باشند. اختطاف اعضای فامیل سرمایه‌گذاران به خاطر پول و اخاذی‌های گوناگون هم سرمایه و هم سرمایه‌گذاران را فراری ساخته است. با در نظر داشت این که سرمایه‌گذاری یک محرک قدرت‌مند در توسعه بلندمدت به‌شمار می‌آید هر عاملی که سرمایه‌گذاری را تحریک کند، برای رشد مناسب است. به طور متقارن هر عاملی که هم سرمایه‌گذاری داخلی را باز دارد، محدودیتی برای رشد تلقی می‌شود؛ فرار سرمایه می‌تواند از چند مسیر سرمایه‌گذاری داخلی را تحت تأثیر قرار دهد. نخست این که نشت سرمایه به خارج از کشور باعث فرسایش پس‌انداز داخلی می‌شود، هم پس‌انداز خصوصی و هم پس‌انداز دولتی که آن نیز تشکیل سرمایه داخلی را کاهش می‌دهد. ارتباط بین سرمایه‌گذاری داخلی و پس‌انداز می‌تواند توسط ناقص بودن تحرک سرمایه قابل توجیه باشد. دومین دلیل احتمالی اثر فرار سرمایه بر سرمایه‌گذاری داخلی، عدم اطمینان اقتصاد کلان است. فرار سرمایه بالا توسط عوامل خصوصی، نشان از شکست سیاست‌های اقتصاد کلان است. فرار سرمایه بالا خطر ناتوانی در پرداخت بدهی توسط دولت را به دلیل تحلیل پایه مالیاتی و اختلاس منابع دولتی افزایش می‌دهد. در نتیجه، عوامل خصوصی انتظار مالیات آتی بالایی خواهند داشت و این انتظار سبب فرار سرمایه به خارج می‌شود؛ بنابراین تقاضا برای دارایی‌های داخلی کاهش می‌یابد و منجر به کاهش در سرمایه‌گذاری داخلی خصوصی می‌شود. کاهش درآمد دولتی نیز منجر به کاهش سرمایه‌گذاری دولتی خواهد شد. برآیند این دو اثر، کاهش در سرمایه‌گذاری داخلی کل است (ندیکومانا؛ ۲۰۱۳). به دلیل این که افغانستان از امنیت کاملی برخوردار نیست؛ برعلاوه نه سرمایه انسانی، نه سرمایه معنوی، نه سرمایه فیزیکی و سرمایه مادی از دست جنگ‌ها و ناامنی‌ها در امان است؛ بناءً سرمایه‌گذاران سرمایه خود را فرار داده و در کشورهای هم‌چون ترکیه و امارات عربی به خاطر سرمایه‌گذاری پناه می‌برند، که از امنیت خوبی برخوردار می‌باشند.

علل فرار سرمایه از افغانستان

- ضعف حکومت در حفظ منافع اقتصادی افراد و شرکت‌ها؛
- مالکیت بازار توسط زورمندان؛
- اخراج بازرگانان کوچک با عمل کرد انحصارگرایانه صاحبان قدرت؛
- حاکمیت بازرگانان قدرت‌مند و دارای نفوذ سیاسی؛
- عدم شفافیت در افزایش سرمایه خصوصی؛

- دسترسی نداشتن سرمایه گذاران به برق و زمین کافی؛
- همه گانی نساختن پروژه های ملی و بین المللی؛
- فساد گسترده اداری؛
- ضعف مدیریت مالیاتی و نبود سیستم منظم و دقیق؛
- جمع آوری مالیات غیر استاندارد؛
- عدم دسترسی به زمین؛
- کلاه برداری های مالی.

جنگ، اعتیاد و اثر آن بالای نیروی انسانی

اعتیاد به مواد مخدر و الکل به طور فزاینده یی در حال تبدیل شدن به یک روند جهانی در سبک زندگی است، که به طور یکسان در کشورهای ثروت مند و فقیر رواج دارد. یکی از بحران های زیست محیطی پس از چند دهه جنگ در افغانستان مواد مخدر و اعتیاد به آن است. چالش هایی مانند بی ثباتی سیاسی، عدم کنترل دولت، ناامنی مزمن و همچنین فساد، به عنوان اصلی ترین عامل تولید غیرقانونی مواد مخدر شناخته شده است. عوامل اقتصادی اجتماعی نیز بر تصمیمات کشاورزان تأثیر می گذارند. فرصت های شغلی کمیاب، عدم کیفیت آموزش، دسترسی محدود به بازارها و خدمات مالی هم چنان به آسیب پذیری این کشور کمک می کند. ادامه سطح بالای کشت خشخاش در افغانستان چالش های بسیاری را از سال ها بدین سو به وجود آورده است. به اساس سروی یی که در سال ۲۰۱۸ تحت عنوان «نظارت بر تولید تریاک در افغانستان» با کمک های مالی دولت های جاپان و ایالات متحده آمریکا توسط مؤسسه UNODC صورت گرفته، مساحت کل کشت خشخاش در افغانستان ۲۶۳۰۰۰ هکتار در سال تخمین زده شده است. در سال ۲۰۱۸، نزدیک به ۲۰٪ یا ۶۵۰۰۰ هکتار کم تر از سال گذشته است. توزیع ساحه وی کشت خشخاش نشان می دهد که اکثریت (۶۹٪) از این محصول در مناطق جنوبی کشور کشت می شود. مناطق غربی ۱۲٪ و سایر مناطق ۱۹٪ کشت این محصول را به خود اختصاص داده اند. هلمند در ۷۹۸،۱۳۶ هکتار ولایت مرکزی کشت تریاک در کشور به شمار می رود و پس از آن کندهار با ۲۳۴۱۰ هکتار زمین کشت تریاک دومین جای گاه را دارا می باشد. در منطقه شرقی مساحت کشت کوکنار و تریاک به ۱۷،۱۷۷ هکتار می رسد. به همین ترتیب کشت تریاک در لغمان به ۲۰۹۲ هکتار، در کُرد به ۱۷۳۲ هکتار و بدخشان به ۸۵ هکتار می رسد. از جمله سه و نیم ملیون معتاد مواد مخدر در افغانستان هشت صد هزار آنان را زنان تشکیل می دهند (بی بی سی: ۱۲ می ۲۰۱۵). کشت تریاک نه تنها که هزاران

جوان را در افغانستان معتاد ساخته؛ بل که تجارت آن نیز برای کشورهای دیگر چالش بزرگی قلمداد گردیده است. افزایش معتادان در افغانستان یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های فامیل‌ها در افغانستان بوده و ضربه بزرگی است بر پیکر منابع انسانی در این کشور. ناامنی، فقر، قانون‌شکنی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصاد ناپایدار، سرسام‌آورترین معضلات در برابر جوانان این مرزوبوم قرار گرفته‌اند.

رابطه جنگ‌های داخلی با آسیب‌پذیری زنان افغان

باوجود شجاعت و شهامتی که زنان افغان در طول دوران جنگ از خود به نمایش گذاشتند، عدم امنیت و خشونت مداوم، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان افغان را علی‌الخصوص زنانی را که در مقامات دولتی مصروف فعالیت‌اند تهدید می‌کند. ویران کردن مکاتب، مسموم‌ساختن دانش‌جویان اناث، خشونت‌های گوناگون و مخالفت در برابر حضور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زنان، زمینه‌هایی قلمداد می‌شوند که زنان افغان آسیب‌پذیری بالایی دارند. نظر به تحقیق و بررسی مؤسسه UNICEF اکثر کودکان افغان دچار بیماری شدید استرس در نتیجه شواهد اعمال خشونت‌آمیز نظیر قتل والدین و نزدیکان خود هستند. در جریان درگیری‌های چند دهه در افغانستان، زنان در خط مقدم خشونت قرار گرفته‌اند. باوجود مداخلات نهادهای بشری بین‌المللی و وعده‌های مقامات حاکم در افغانستان، زنان افغان هنوز از حقوق اساسی خود از جمله دسترسی به آموزش و تحصیل محروم‌اند. خشونت علیه زنان از جمله قتل، ضرب و شتم و ازدواج اجباری در افغانستان وسعت پیدا کرده است.

«زنان جنگ را متفاوت از مردان تجربه می‌کنند. آن‌ها می‌دانند که جنگ و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تأثیر بی‌نظیری بر جوامع، خانواده‌ها و خودشان دارد؛ باین‌وجود، کم‌تر از عناوین نشان می‌دهند که چه‌گونه زنان علی‌رغم خشونت‌هایی که ممکن است آن‌ها را احاطه کرده باشد، به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند، آن‌ها به دنبال تحصیل هستند، شغل خود را ادامه می‌دهند و خانواده‌ها را پرورش می‌دهند، بعض اوقات برای رسیدن به امنیت فرزندان خود در مسافت‌های طولانی سفر می‌کنند. آن‌ها همچنین برای جلوگیری از درگیری و افراط‌گرایی تلاش می‌کنند و به‌عنوان فعال مدنی، قاضی و مقامات دولتی کماکان فعالیت دارند. به قول سانام اندرلینی، فعال صلح، «هرجا که جنگ و خشونت وجود داشته باشد، زنان وجود دارند - و آن‌ها چیزهایی برای گفتن دارند» (۲۰ اکتوبر ۲۰۱۶).

جنگ در افغانستان نه‌تنها زنان، بل که کودکان را نیز متضرر ساخته‌است. حضور زنان در بازار کار نیز کم‌رنگ احساس می‌شود. پس از سال ۲۰۰۲ توجه قابل ملاحظه‌یی در اشتراک زنان در

فعالیت‌های اقتصادی صورت نگرفته است. زنان بیرون از خانه زیاد به فعالیت‌های اقتصادی نپرداخته‌اند؛ زیرا اکثریت آن‌ها به کارهای بدون دست‌مزد، ناامن و آسیب‌پذیر مشغول بوده‌اند. زنان در پی انتقال سیاسی از یک رژیم به رژیم دیگر رنج و مشقت زیادی را متحمل شده‌اند. «خانه‌های شان ویران شد، دختران و پسران خود را از دست دادند، آینده‌شان خراب و کرامت‌شان زیر پای گردید»

(Role of Women in Economic Development of Afghanistan, a working Paper #53.2019 University of Central Asia). امید چندی نیست که افغانستانی که از فهرست ۱۵۷ در رتبه ۱۵۴ در فهرست جهانی نابرابری جنسیتی قرار دارد، خشونت علیه زنان را در جامعه‌یی که عمدتاً زن‌گریز است، کاهش دهد. طبق گزارش UNAMA چرخه مداوم خشونت علیه زنان فراتر از جوامع سنتی است و متأسفانه در اکثر ولایات، زنان قربانی این خشونت‌ها می‌شوند. در بین ۱ آگست سال ۲۰۱۵ و ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۷، یوناما ۲۳۷ مورد خشونت علیه زنان را در ۲۲ ولایت (کندهز، بدخشان، تخار، بغلان، بلخ، سمنگان، فاریاب، جوزجان، بامیان، فراه، هرات، غزنی، پکتیا، خوست، قندهار، کنر، لغمان، ننگرهار، کابل، پنجشیر، پروان و میدان وردک)، به مؤسسه EVAW گزارش داده است (United Nation Assistance Mission in Afghanistan, United Nation Office of the High Commissioner for Human Rights, May 2018 Kabul Afghanistan). در صد سال اخیر که افغانستان در مسیر نوگرایی‌های فرهنگی و دگرگونی‌های سیاسی قرارگرفت و در پرتو آن برخی از مظاهر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دست‌خوش تغییرات شد، کم‌ترین بهره‌مندی و ساختاری را زنان افغان نصیب شدند.

زنان، به‌عنوان یک گروه اجتماعی به‌شدت آسیب‌پذیر، منزوی، تحت‌فشار، ناتوان و غیرفعال، از کم‌ترین حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده‌اند؛ به‌همین دلیل، تمام جنبش‌ها، تحولات، تولید نظم و بی‌نظمی، سامانی و نابه‌سامانی و همه مجاری قدرت، ثروت و منزلت در کنترل و مدیریت مردان بوده است (بی بی سی؛ ۲۵ اکتوبر ۲۰۱۳)؛ باوجود این که زنان افغان نقش اساسی را در تربیت و رشد منابع انسانی در افغانستان بازی می‌کنند نقش‌شان در جامعه نسبت به مردان کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر است.

نتیجه‌گیری

باتوجه به هدف و پرسش پژوهش حاضر، می‌توان یافته‌های خود را چنین خلاصه کرد: بحران‌های بشری و جنگ‌های غیرقابل‌مهار چند دهه، که متأسفانه برای مردم ما شناخته شده است، کشور عزیز ما افغانستان را از زاویه‌های گوناگونی به‌شدت متأثر ساخته و روح و بدن مردم ما

را صدمه رسانده است؛ چنان که جمعیت‌هایی که این درگیری‌های طولانی مدت را تجربه کرده‌اند؛ غالباً به درک این حقایق پی برده‌اند. جنگ و اثرات جنگ در تمام بخش‌های افغانستان محسوس است. فقر، فساد اداری، بی‌ثباتی سیاسی - اقتصادی، نبود خدمات درمانی، مشکلات روحی و روانی، و بی‌سوادی، پیامدهای چند دهه جنگ در افغانستان قلم‌داد شده‌اند.

جنگ‌های داخلی افغانستان در برهه‌های زمانی مختلفی تأثیرات شدیدی بر پیکر منابع انسانی از قبیل عدم دسترسی به تحصیلات عالی، مهاجرت بی‌رویه جوانان از این مرزوبوم، ناامنی و بی‌ثباتی اقتصادی، فرار سرمایه و سرمایه‌گذاران از کشور، عدم هم‌افزایی اجتماعی و مدیریتی، فقر و بی‌کاری مزمن، آسیب‌پذیری زنان، اعتیاد جوانان، عدم توسعه پایدار مدیریتی و حاکمیت تعصب جنسی در ادارات دولتی رقم زده است.

پیش‌نهادها

این تحقیق به منظور جلوگیری یا حداقل کاهش تأثیرات مخرب جنگ بالای منابع انسانی راه کارهای زیر را پیشکش می‌نماید:

- به کار گماشتن افراد مطابق به عدالت و منطق شایسته‌سالاری؛
- ایجاد امنیت شغلی و ارتقای مهارت‌های کارکنان مطابق به استانداردهای تعریف شده؛
- اشتغال‌زایی و فراهم کردن زمینه کار برای قشر تحصیل کرده، مخصوصاً مناطق آسیب‌دیده جنگ؛

- جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه جوانانی که جزء سرمایه انسانی کشورهای خارج می‌شوند؛
- استفاده درست از نیروی انسانی زنان در سازمان‌های دولتی و خصوصی؛
- ایجاد راه کارهای منظم و پایدار در کاهش کشت، توزیع و فروش مواد مخدر؛
- کاهش خشونت علیه زنان؛
- حفظ، مدیریت و رهبری سرمایه و سرمایه‌گذاران.

سرچشمه‌ها

الف) فارسی

۱. اداره ملی احصائیه. «سروی وضعیت زنده‌گی در افغانستان ۱۳۹۵». انتشار: ۱۶ ثور ۱۳۹۷ کد خبر: ۲۸۰۴۳.

۲. اسمیت، دنیس. (۱۳۷۷). **تاریخ اقتصاد جاپان ۱۹۴۵-۱۹۹۵**. مترجم: محمدحسین وقار. تهران: اطلاعات.
۳. تقوی، مهدی و محمدی، حسین. (۱۳۸۵). «تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران». ایران: پژوهش نامه اقتصادی. شماره ۳ (پیاپی ۲۲). صص ۱۵ - ۴۴.
۴. سبحانی، حسن. (۱۳۹۶). **اقتصاد کار و نیروی انسانی**. چاپ هشتم. تهران: انتشارات سمت.
۵. عمید، حسن. (۱۳۷۴). **فرهنگ عمید**. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.
۶. گینش، لینا. (اگوست ۲۰۱۳). «توانمند سازی زنان در افغانستان: ایجاد فضا و مساعد ساختن محیط». واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. قابل دریافت در سایت: <https://areu.org.af/wp-content/uploads/2016/02/Dari1.pdf>
۷. متوسلی، محمود. (۱۳۷۴). **توسعه اقتصادی جاپان با تأکید بر آموزش نیروی انسانی**. تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۸. محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه در افغانستان، گزارش سال (۲۰۱۸) گزارش شش ماهه در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه ۱ جنوری الی ۳۰ جون ۲۰۱۸
۹. محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه سال ۲۰۱۸ در افغانستان، قابل دریافت در: https://unama.unmissions.org/sites/default/files/unama_protection_of_civilians_in_armed_conflict_3rd_quarter_report_2018_10_oct_dari.pdf

(ب) انگلیسی

10. Ndikumana, L. (2013). "**Capital Flight and Tax Havens: Impact on Investment and Growth in Africa**", European Development, European Development Network conference Berlin:
https://www.bbc.com/persian/blogs/2015/05/150516_zs_addiction_surge_afghanistan 16-May-2016
<http://www.unwomen.org/en/digital-library/multimedia/۱۰/۲۰۱۶/women-between-war-and-peace>: 20 October 2016

11. **The impact of political conflict on women: case study of Afghanistan**, 1474 American Journal of Public Health October 1999, Vol. 89, No. 10
https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2013/10/131025_k05_afghan_hamza_vaizi 25.oct.2013
12. Swanson R.A (1999) **Human Resource Development: performance is the key** 'human resource. Human resources quarterly vol 2.No.2 summer 1995
<https://www.worldbank.org/en/country/afghanistan/overview>
13. Akresh, Richard; de Walque, Damien. (2008). **Armed Conflict and Schooling: Evidence from the 1994 Rwandan Genocide**. Policy Research Working Paper; No. 4606. World Bank, Washington, DC.
 © World Bank.
<https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/6646>
 License: CC BY 3.0 IGO
https://www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghanistan/Afghanistan_opium_survey_2018.pdf
14. **Impact of Soviet and US war on Afghan society with special reference to rural life** (Imtial Gul Khan)
[http://www.criterion-quarterly.com/impact-of-soviet-and-us-war-on-afghan-society-with-special-reference-to-rural-life /](http://www.criterion-quarterly.com/impact-of-soviet-and-us-war-on-afghan-society-with-special-reference-to-rural-life/)
<https://www.afghanistan-analysts.org/widespread-violence-yet-perpetrators-go-unpunished-a-new-un-report-on-violence-against-afghan-women>
<https://www.unwomen.org/en/digital-library/multimedia/2016/10/women-between-war-and-peace>
15. Swanson R.A. (1999). **Human Resource Development: performance is the key** 'human resource
16. https://unama.unmissions.org/sites/default/files/unama_protection_of_civilians_in_armed_conflict_3rd_quarter_report_2018_10_oct_dari.pdf.

